

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ اسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَ أَقْبَلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ
خدایا! بر پیامبر و دودمان پاکش درود فرست و آنگاه که تو را می‌خوانم و صدای من می‌زنم، صد او دعایم را بشنو و اجابت کن و آنگاه که با تو نجوای کنم، بر من عنایت کن

فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَكِينًا لَكَ مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ رَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ ثَوَابِي

من از همه به سوی تو گریخته و در پیشگاه تو ایستاده‌ام، در حالی که دلشکسته و نالان درگاه تو ام و بر پاداش تو امیدوار

وَ تَعَلَّمُ مَا فِي نَفْسِي وَ تَخْبُرُ حَاجَتِي وَ تَعْرِفُ ضَمِيرِي وَ لَا يَخْفِي عَلَيْكَ أَمْرٌ مُنْقَلَبِي وَ مَثْوَايَ

آنچه را در دل من می‌گذرد می‌دانی، از نیاز من آگاهی، ضمیر و درونم را می‌شناسی و فرجام و سرانجام زندگی و مکرم از تو پنهان نیست

وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أُبْدِيَ بِهِ مِنْ مَنْطِقِي وَ أَتَفَوَّهَ بِهِ مِنْ طَلِبَتِي وَ أَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِي

آنچه را که می‌خواهم بر زبان آورم و از خواسته‌ام سخن بگویم و به حسن عاقبتم امید بندم، همه را می‌دانی

وَ قَدْ جَرَتْ مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ يَا سَيِّدِي فِيمَا يَكُونُ مِنِّي إِلَى آخِرِ عُمْرِي مِنْ سَرِيرَتِي وَ عَلَانِيَتِي

در آنچه تا پایان عمرم و از نمان و آشکارم خواهد بود، قلم تقدیرت نافذ و جاری است

وَ بَيْدِكَ لَا يَبِيدُ غَيْرُكَ زِيَادَتِي وَ نَفْصِي وَ نَفْعِي وَ ضَرْبِي

و افزونی و کاهش و سود و زیانم، تنها به دست توست

إِلَهِي إِنْ حَرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْزُقُنِي وَ إِنْ خَدَلْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُنِي

خدایا! اگر محروم سازی، کیست که روزیم دهد؟ و اگر خوارم کنی، کیست که یاریم کند؟

إِلَهِي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَضَبِكَ وَ حُلُولِ سَخَطِكَ

خدایا! از خشم و فراریدن غضبت، به خودت پناه می آورم

إِلَهِي إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعَتِكَ

خدایا! اگر شایسته رحمت تو نیستم، تو سزاواری که رحمت گسترده ات را بر من عطا کنی

إِلَهِي كَأَنِّي بِنَفْسِي وَاقِفَةٌ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ قَدْ أَظَلَّهَا حُسْنُ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ

خدایا! گویا چنانم که در پیشگاه لطف تو ایستاده ام و سایه سار توکل نیکویم بر من بال کشوده

فَقُلْتُ [فَفَعَلْتُ] مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ تَعَمَّدْتَنِي بِعَفْوِكَ

و آنچه را تو شایسته آنی گفته امی و مراد لاله امی از بخشایش خویش پوشانده امی

إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلِي مِنْكَ بِذَلِكَ

خدایا! اگر بخشایی، کیست که از تو سزاوار تر به عفو کردن باشد؟

وَ إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَ لَمْ يُدْنِنِي [يُدْنُ] مِنْكَ عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتَ الْإِقْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَ سَبِيلَتِي

و اگر اجلم فرارسیده و کار شایسته امی نداشته ام که مرا به تو نزدیک سازد، اعتراف به گناه را وسیله آمرزش تو ساخته ام

إِلَهِي قَدْ جُرْتُ عَلَيَّ نَفْسِي فِي النَّظَرِ لَهَا فَلَهَا الْوَيْلُ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَهَا

خدایا! با همت و میدانی که به نفس داده ام، بر خویش تسم کرده ام، پس اگر مرا نیامرزی، پس وای بر من

إِلَهِي لَمْ يَزَلْ بَرُّكَ عَلَيَّ أَيَّامَ حَيَاتِي فَلَا تَقْطَعْ بَرِّكَ عَنِّي فِي مَمَاتِي

خدایا! همواره در طول زندگی، از لطف و احسانت برخوردار بوده ام، پس از مرگ هم، لطف خویش از من دریغ مدار

إِلَهِي كَيْفَ آيَسُ مِنْ حُسْنِ نَظْرِكَ لِي بَعْدَ مَمَاتِي
خدایا! چگونه می‌توانم با شرم از اینکه پس از مرگ هم نگاه لطف و احسان تو بر من نواهد بود

وَ أَنْتَ لَمْ تُؤَلِّني [تُوَلِّني] إِلَّا الْجَمِيلَ فِي حَيَاتِي
در حالی که در طول حیاتم، با من جز احسان و نیکی نکرده‌ای

إِلَهِي تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ
خدایا! کار مرا آنگونه به سامان برسان که تو سزاوار آنی

وَ عُدَّ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ مُذْنِبٍ قَدْ غَمَرَهُ جَهْلُهُ
و با بزرگواریت، به من عنایت کن، برگنا هکاری که در بجه جهل خویش فرورفته است

إِلَهِي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا وَ أَنَا أَحْوَجُ إِلَيْ سِتْرِهَا عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْآخِرِي
خدایا! در دنیا گناهانی را بر من پوشانده‌ای که در آخرت، نیازمند ترم که پرده پوشش خود را بر آنها بکنی

[إِلَهِي قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ] إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ فَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيَّ رُءُوسِ الْأَشْهَادِ
خدایا! چون گناهانم را پوشانیدی و بر هیچ‌یک از بندگانت فاش نساختم، بر من نیکی کردی، پس در روز قیامت نیز رسوای خلائیتم مگردان

إِلَهِي جُودُكَ بَسَطَ أَمَلِي وَ عَفْوُكَ أَفْضَلَ مِنْ عَمَلِي
خدایا وجود و بخشش تو دامنه آرزوهایم را گسترده است و بخشایش تو برتر از عمل من است

إِلَهِي فَسَرَّنِي بِلِقَائِكَ يَوْمَ تَقْضِي فِيهِ بَيْنَ عِبَادِكَ
خدایا! آن روز که میان بندگانت به داوری می‌پردازی، با دیدار چهره رافت خود مسرورم ساز

إِلَهِي اعْتَذَارِي إِلَيْكَ اعْتِذَارُ مَنْ لَمْ يَسْتَعْنِ عَنْ قَبُولِ عُدْرِهِ
خدایا! پوزش طلبی من به درگاهت، عذرخواهی کسی است که از عذرپذیری تویی نیاز نیست

فَأَقْبَلْ عُدْرِي يَا أَكْرَمَ مَنْ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ الْمُسِيئُونَ
پس عذرم را بپذیر ای کریم ترین بزرگواری که زشتکاران، به درگاهش عذرگناه می‌برند

إِلَهِي لَا تَرُدَّ حَاجَتِي وَلَا تُخَيِّبْ طَمَعِي وَلَا تَقْطَعْ مِنْكَ رَجَائِي وَ أَمَلِي
پروردگار من! حاجت و نیازم را رد نکن و دست امید و آرزویم را از درگاه خویش، کوتاه مگردان

إِلَهِي لَوْ أَرَدْتَ هَوَانِي لَمْ تَهْدِنِي وَ لَوْ أَرَدْتَ فَضِيحَتِي لَمْ تُعَافِنِي
خدایا! اگر می‌خواستی خوارم کنی، هدایتم نمی‌کردی و اگر می‌خواستی رسوایم سازی، از عقوبت دنیا معافم نمی‌کردی

إِلَهِي مَا أَظُنُّكَ تَرُدُّنِي فِي حَاجَةٍ قَدْ أَفْتَيْتُ عُمْرِي فِي طَلَبِهَا مِنْكَ
خدایا! باور ندارم که در حاجتی دست رو به سینه‌ام بزنی، حاجتی که عمر خویش را در پی آن گذراندم و عمری از تو طلبیدم

إِلَهِي فَلَاكَ الْحَمْدُ أَبَدًا أَبَدًا دَائِمًا سَرْمَدًا يَزِيدُ وَ لَا يَبِيدُ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى
خدایا! ستایش ابدی و ثنای سرمدی تنها از آن توست، سپاسی همواره فزاینده و بی‌کم و کاست، آن‌گونه که تو دوست داری و می‌پسندی

إِلَهِي إِنْ أَخَذْتَنِي بِجُرْمِي أَخَذْتَكُ بِعَفْوِكَ
خدایا! اگر مرا به جرمم بگیری، دست به دامن عفو می‌زنم

وَ إِنْ أَخَذْتَنِي بِذُنُوبِي أَخَذْتَكُ بِمَعْفِرَتِكَ
و اگر مرا به گناهانم مؤاخذه کنی، تو را به بخشایشت بازخواست می‌کنم

وَإِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ أَعْلَمْتُ أَهْلَهَا أَنِّي أُحِبُّكَ
اگر در دوزخم افکنی، به دوزخیان اعلام خواهم کرد که تو را دوست دارم

إِلَهِي إِنْ كَانَ صَغُرَ فِي جَنْبِ طَاعَتِكَ عَمَلِي فَقَدْ كَبُرَ فِي جَنْبِ رَجَائِكَ أَمَلِي
خدایا! اگر در کنار طاعت، علم کوچک است، امید و آرزویم بزرگ و بسیار است

إِلَهِي كَيْفَ أَثْقَلْتُ مِنْ عِنْدِكَ بِالْخِيْبَةِ مَحْرُومًا
خدایا! از آستان تو چگونه تهیدست و محروم برگردم

وَ قَدْ كَانَ حُسْنُ ظَنِّي بِجُودِكَ أَنْ تَقْلِبَنِي بِالنَّجَاةِ مَرْحُومًا
با آنکه گمان نیک من نسبت به جود تو، آن است که نجات یافته و رحمت شده مرا بازگردانی

إِلَهِي وَ قَدْ أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي شِرَّةِ السَّهْوِ عَنكَ وَ أَبْلَيْتُ شَبَابِي فِي سَكْرَةِ التَّبَاعُدِ مِنْكَ
خدایا! عمرم را در بخت غفلت از تو تباه ساختم، جوانی ام را در سرمستی دوری از تو بدرداوم

إِلَهِي فَلَمْ أَسْتَيْقِظْ أَيَّامَ اغْتِرَارِي بِكَ وَ زُكُونِي إِلَيَّ سَبِيلِ سَخَطِكَ
خدایا! آن روزها که به کرم تو مغرور شدم و راه خشم تو را سپردم، از خواب غفلت بیدار نگشتم

إِلَهِي وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ إِلَيْكَ
پروردگارا! من بنده توام و زاده بنده تو، در آستان بزرگیت ایستاده ام و کرمت را وسیله تقرب به حضور تو قرار داده ام

إِلَهِي أَنَا عَبْدٌ أَتَنَصَّلُ إِلَيْكَ مِمَّا كُنْتُ أَوَاجِهَكَ بِهِ مِنْ قِلَّةِ اسْتِخْيَائِي مِنْ نَظَرِكَ
خدایا! بنده ای ز شکرتم که به عذرخواهی آمده ام، از نگاه تو شرم نداشته ام

وَ أَطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْكَ إِذِ الْعَفْوَ نَعْتُ لِكِرْمِكَ

اینک از تو بخشش می طلبم، چرا که عفو، صفت بزرگواری توست

إِلَهِي لَمْ يَكُنْ لِي حَوْلٌ فَأَنْتَقِلَ بِهِ عَن مَعْصِيَتِكَ إِلَّا فِي وَفْتٍ أَيْقَظْتَنِي لِمَحَبَّتِكَ وَ كَمَا أَرَدْتَ أَنْ أَكُونَ كُنْتُ

آفریدگار! تو آن نداشته‌ام که از نافرمانیت دست شویم، مگر آن‌گاه که به عشق و محبت خویش بیدارم ساخته‌ای، یا آن‌گونه بوده‌ام که تو خود خواسته‌ای

فَشَكَرْتُكَ بِإِذْخَالِي فِي كِرْمِكَ وَ لِتَطْهِيرِ قَلْبِي مِنْ أَوْسَاحِ الْعُقَلَةِ عَنْكَ

تو را سپاس، که مرا در کرم خویش وارد کردی و دلم را از آلائشها و کدورت‌های غفلت از خودت پاک نمودی

إِلَهِي انظُرْ إِلَيَّ نَظَرَ مَنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَ اسْتَعْمَلْتَهُ بِمَعُونَتِكَ فَأَطَاعَكَ

پروردگار! مرا مگر، نگاه آن‌که ندایش دادی پس پاسخت گفت و به طاعتش فراخواندی و به یاریش گرفتی پس مطیع تو گشت

يَا قَرِيبَا لَا يَبْنَعُدُ عَنِ الْمُعْتَرِّ بِهِ وَ يَا جَوَادَا لَا يَبْنَحُلُ عَمَّنْ رَجَا ثَوَابَهُ

ای خدای نزدیک، که از مغروران و فریفتگان دور نیستی، ای بخشنده‌ای که نسبت به امیدواران جود و بخشش، بخل نمی‌ورزی

إِلَهِي هَبْ لِي قَلْبًا يُدْنِيهِ مِنْكَ شَوْفُهُ وَ لِسَانًا يُرْفَعُ إِلَيْكَ صِدْقُهُ وَ نَظْرًا يَقْرَبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ

خدایا! مرا قلبی بخش که شوق و عشق، به تو نزدیکش سازد، و زبانی عطا کن که صداقت و راستی‌اش به درگاهت بالا رود و مگای بخشش، که تحقیقش، زمینه‌ساز قرب به تو گردد

إِلَهِي إِنَّ مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرَ مَجْهُولٍ وَ مَنْ لَازَ بِكَ غَيْرَ مَخْذُولٍ وَ مَنْ أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ غَيْرَ مَمْلُوكٍ [مَمْلُولٍ]

خدایا! آن‌که به تو معروف گردد، ناشناخته نیست، آن‌که به تو پناه آورد، بخوار و دمانده نیست، و آن‌که تو به او روی عنایت آوری برده دیگری نیست

إِلَهِي إِنَّ مَنْ انْتَهَجَ بِكَ لِمُسْتَنْبِرٍ وَ إِنَّ مَنْ اعْتَصَمَ بِكَ لِمُسْتَجِيرٍ

خدایا! آن‌که از تو راه‌رایافت، روشن شد و آن‌که پناهنده تو شد، پناه‌یافت

وَقَدْ لُدْتُ بِكَ يَا إِلَهِي فَلَا تُخَيِّبْ ظَنِّي مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تَحْجُبْنِي عَنْ رَأْفَتِكَ
خداوند! من به تو پناه آورده‌ام، از رحمت خویش مایوس و محروم مساز و از رافت و مهربانیت محجوب مگردان

إِلَهِي أَقِمْنِي فِي أَهْلِ وَلَايَتِكَ مُقَامَ مَنْ رَجَا الزِّيَادَةَ مِنْ مَحَبَّتِكَ
خداوند! در میان اولیاء خویش، مرا مقام کسی بخش که آرزوی محبت افزون تر تو را دارد

إِلَهِي وَ أَلْهِمْنِي وَلَهَا بِذِكْرِكَ إِلَيَّ ذِكْرِكَ وَ هَمَّتِي فِي رُوحِ نَجَاحِ أَسْمَائِكَ وَ مَحَلِّ قُدْسِكَ
خدایا! مرا سینه‌ی یاد خود ساز و بهمم را در نشاط دستیابی به نامیات و قرارگاه عظمت و قدرت قرار بده

إِلَهِي بِكَ عَلَيْكَ إِلَّا أَلْحَقْتَنِي بِمَحَلِّ أَهْلِ طَاعَتِكَ وَ الْمَثْوَى الصَّالِحِ مِنْ مَرْضَاتِكَ
خداوند! تو را به خودت سوگند، که مرا به جایگاه اهل طاعت برسان و به منزلگاه شایسته و پسندیده خویش، رهنمون باش

فَأَنِّي لَا أَقْدِرُ لِنَفْسِي دَفْعًا وَلَا أَمْلِكُ لَهَا نَفْعًا
که من، نه می‌توانم شمری را از خویش دور سازم و نه سودی به خویش رسانم

إِلَهِي أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الْمُدْنِبُ وَ مَمْلُوكُكَ الْمُئِيبُ [الْمَعِيبُ]
کردگار! من، بنده ناتوان و کنسکار توام و برده عیبناک تو، که بسوت آمده‌ام

فَلَا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ صَرَفَتْ عَنْهُ وَجْهَكَ وَ حَجَبَهُ سَهْوُهُ عَنْ عَفْوِكَ
پس مرا از آنان مگردان که چهره لطف خویش از آنان بر گردانده‌ای و اشتباهانشان حجاب بخشایش تو گشته است

إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَ أَنْزِ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ
خدایا! مرا کمال کسستن از غیر و پیوستن به خودت عطا کن دیده دل‌هایمان را با فروغ نگاه به خود، روشن ساز

حَتَّى تَخْرِقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَيَّ مَعْدِنِ الْعِظَمَةِ وَ تَصِيرَ أَرْوَاحَنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ
تا دیده‌های بصیرت دل، حجابهای نور را از هم بردود به کانون عظمت برسد و جانهای ما آویخته درگاه عزت و قدس تو گردد

إِلَهِي وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَ لَاحِظْتَهُ فَصَعِقَ لِجَلَالِكَ فَنَاجَيْتَهُ سِرًّا وَ عَمِلَ لَكَ جَهْرًا
خدایا! مرا از آنان قرار ده که ندایشان کردی، پاسخ گفتند و مکاشفان کردی، مدبوش جلال تو گشت، با آنان، رازگفتی و نجوا کردی، آشکارا برای تو کار کردند

إِلَهِي لَمْ أَسْلُطْ عَلَيَّ حُسْنِ ظَنِّي فَنُوطَ الْإِيَّاسِ وَ لَا انْقَطَعَ رَجَائِي مِنْ جَمِيلِ كَرَمِكَ
خدایا! هرگز نومیدی را بر حسن ظن خویش مسلط نساختم و هرگز امیدم از کرم نیکو و زیادت نگسسته است

إِلَهِي إِنْ كَانَتْ الْخَطَايَا قَدْ أَسْقَطَتْني لَدَيْكَ فَاصْفَحْ عَنِّي بِحُسْنِ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ
پروردگارا! اگر گناهان مراد پریشگاه تو خوار و پست کرده، پس به سبب توکل و اعتماد نیکویم به تو، از من درگذر

إِلَهِي إِنْ حَطَّتْني الذُّنُوبُ مِنْ مَكَارِمِ لُطْفِكَ فَقَدْ نَبَّهْتَنِي الْيَقِينُ إِلَيَّ كَرَمِ عَطْفِكَ
آفریدگارا! اگر گناهان، مرا از لطف و الای تو دور ساخته، اما یقین به کرم و عنایت، آگاه و امیدوارم ساخته است

إِلَهِي إِنْ أَنَامْتَنِي الْعَفْلَةَ عَنِ الْاسْتِعْدَادِ لِلِقَائِكَ فَقَدْ نَبَّهْتَنِي الْمَعْرِفَةُ بِكَرَمِ آلَائِكَ
خدایا! اگر خواب غفلت، از آمادگی برای دیدارت باز داشته، معرفت به نعمتهای ارجمندت، بیدارم داشته است

إِلَهِي إِنْ دَعَانِي إِلَيَّ النَّارِ عَظِيمِ عِقَابِكَ فَقَدْ دَعَانِي إِلَيَّ الْجَنَّةِ جَزِيلِ ثَوَابِكَ
خدایا! اگر عقوبت سنگین تو، به آتش دوزخم فرامی خواند، پاداش فراوانت، به بهتم دعوت می کند

إِلَهِي فَلَكَ أَسْأَلُ وَ إِلَيْكَ أَبْتَهِلُ وَ أَرْغَبُ

آفریدگارا! من از تومی خواهم و تنها به آستان تو دست نیاز برمی آورم و تو را خواستارم

وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدِيمُ ذِكْرَكَ

از تومی خواهم که بر محمد و دودمانش درود فرستی و مرا از آمان قرار دهی که همواره به یاد تو ماند

وَ لَا يَنْقُضُ عَهْدَكَ وَ لَا يَغْفُلُ عَنْ شُكْرِكَ وَ لَا يَسْتَخِفُّ بِأَمْرِكَ

و پیمان تو را نمی شکنند و از سپاس تو غافل نمی شوند و فراموشت را سبک نمی شمرد

إِلَهِي وَ أَلْحِقْنِي بِنُورِ عِرْكَ الْأَبْهَجِ فَأَكُونَ لَكَ عَارِفًا وَ عَنْ سِوَاكَ مُنْحَرِفًا وَ مِنْكَ خَائِفًا مُرَاقِبًا

خدایا! مرا به فروغ نشاط بخش عزت خود میبند تا تنها شناسای تو باشم و از غیر تو روی برتابم و تنها از تو ترسم و بیم تو داشته باشم

يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ

ای شگوهمند و بزرگوار!

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

بر محمد و خاندان پاکش درود تو باد، و سلام بی پایان و بسیار